

## نکته ای در باره انتخابات اسرائیل

### رشد تفاوت های طبقاتی در اسرائیل

سخنرانی نتانیاهو در سنای آمریکا مساله اسرائیل را به یکی از مسائل عمده مورد بحث و مشاجره در رسانه های جمعی تبدیل کرده است. اغلب تعابیر و تفاسیر از وضعیت اسرائیل اما به جنبه اقتصادی مساله کمتر اشاره ای دارند. تصور غالب این است که در اسرائیل نگرانی های مردم بیشتر پیرامون مسائل سیاسی و امنیتی منطقه دور می زند تا مسائل اقتصادی. این البته درست است که اسرائیل از قدرت اقتصادی بالنسبه بالایی برخوردار است و در دنیای سرمایه داری یکی از اقتصاد های پیشرفته محسوب می شود. از لحاظ سطح تکنولوژی در تولید اسرائیل از بسیاری از کشورهای پیشرفته اروپایی جلوتر است و صادرات کالاهای بخش تکنولوژیک آن منبع عمده درآمد ارزی این کشور را تشکیل می دهد. بویژه در حوزه هایی که به نوعی به صنایع نظامی نیز مرتبط می شود، اسرائیل تنها کشوری بوده است که در نیم قرن گذشته به برخی انحصارات تکنولوژیک آمریکایی دست رسی داشته است و بجزرت می توان گفت در دو دهه اخیر پیشرفت صنایع نظامی اسرائیل رتبه دوم در جهان را کسب کرده است - بعد از آمریکا. لقب "ایالت ۵۱" آمریکا که در رابطه با انگلستان به کار گرفته می شود، بیشتر مستحق اسرائیل است. اسرائیل در آمریکا دست رسی به امکاناتی دارد که هیچ یک از متحدین آمریکا از آن برخوردار نیستند. بحران جهانی اخیر نیز کمتر اثری در اقتصاد اسرائیل داشته است و در طول دو دوره رهبری نتانیاهو اقتصاد اسرائیل هم از آمریکا و هم از اروپا درصد رشد بالاتری را داشته است.

اما اگر تصور کنید که این علائم آشکار یک اقتصاد دینامیک و مدرن سرمایه داری در ضمن به معنای خوشبختی اقتصادی مردم نیز هست، اشتباه بزرگی مرتکب شده اید. به همان اندازه که نفهمیم چرا تحقق "رویای آمریکایی" آمریکا را به بزرگترین زندان جهان تبدیل کرده است! و ایراد بسیاری از تحلیل هایی که در باره انتخابات اسرائیل ارائه شده نیز دقیقا همین جاست. باید سؤال کرد چرا علیرغم این اقتصاد قوی، و جو دست راستی افراطی و نژادپرستانه و شبه فاشیستی که بتدریج بر اسرائیل حاکم شده است، و تمام ترفند هایی که نتانیاهو در سوار شدن بر این موج بکار برده است (منجمله "مساله اتمی ایران")، احتمال شکست لیکود در انتخابات بعدی و پیروزی "چپ" (راست تر از سوسیال دموکراسی اروپایی!) هر روز بیشتر می شود؟

پل کروگمن، اقتصاد دان محبوب لیبرالیزم آمریکایی و برنده جایزه نوبل در اقتصاد در ستون اخیر خود جواب این سؤال را داده است. به اعتقاد او اسرائیل نظیر آمریکا مشکل "۱ در صدی ها"ی خود را پیدا کرده است - اشاره به تمرکز ثروت در دست اقلیتی کوچک<sup>۱</sup>. آمار اقتصادی گفته کروگمن را تصدیق می کنند. در اسرائیل، بعد از آمریکا، بویژه در ۱۰ سال اخیر، بزرگترین شکاف بین پایین ترین و بالاترین درآمدها شکل گرفته است.<sup>۲</sup> مثلاً، در صد کودکان فقیر زده در اسرائیل در سال ۲۰۱۰ به ۲۸٪ رسید - بالاترین رقم در پیشرفته ترین ۲۰ کشور سرمایه داری جهان<sup>۳</sup>. و یا بر اساس آمار "بانک اسرائیل"، فقط ۲۰ خانواده از طریق کنترل هر می شرکت ها بیش از ۵۰٪ کل سهام بازار بورس اسرائیل را در دست دارند.

کروگمن می گوید اسرائیل در ۲۰ سال گذشته حتی کمتر از آمریکا (بدترین در میان پیشرفته ترین ۲۰ کشور سرمایه داری) برای پایین آوردن درصد جمعیت زیر خط فقر بودجه گذاشته است. بنابراین "دموکراتیک ترین کشور خاورمیانه" محبوب روشنفکران خرده بورژوازی ما در ضمن بزرگترین شکاف های طبقاتی را نیز ایجاد کرده است. نپرداختن به این جنبه از اوضاع اسرائیل نه به فهم مساله فلسطین و راه های حل آن کمک می کند و نه به فهم مساله مشخص انتخابات آینده. به اعتقاد من تاکید بیش از حد مفسرین و نظریه پردازان چپ به مساله فلسطین باعث شده است که کمتر به این جنبه از اوضاع نگاه کنیم و به اهمیت مبارزه طبقاتی در داخل خود اسرائیل کمتر بپردازیم.

ت.ث.

مارس ۲۰۱۵

<sup>1</sup> Paul Krugman, Israel's Gilded Age, March 16, 2015

<sup>2</sup> Luxembourg Income Study, <http://www.lisdatacenter.org/our-data/lis-database/by-country/israel-2/>

<sup>3</sup> همان جا